

سید صمد بهشتی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی
رفاه اجتماعی

شهروندی شاخص‌های

در کتب علوم اجتماعی
دوره‌ی متوسطه‌ی نظری

چکیده

هر فرد انسانی تنها به حکم انسان بودنش، در جامعه دارای یک سلسله حقوق و مزایایی است که به عقیده‌ی بسیاری از حقوق‌دانان، این حقوق طبیعی است، اکتسابی نیست و هیچ مقامی حق ندارد آن را از انسان سلب کند؛ مثل حق حیات، حق خدشه‌ناپذیری جسمی و... این حقوق تحت عنوان حقوق طبیعی و حقوق بشر مطرح هستند. کشورها معمولاً در این حقوق به نفع شهروندان خویش تغییراتی ایجاد می‌کنند، به آن رنگ و بوی ملی می‌دهند و از آن تحت عنوان حقوق اساسی یاد می‌کنند. برخی از این حقوق عبارت‌اند از: حق رأی، حق مالکیت، حق دادخواهی و...

از آن‌جا که یکی از وظایف خطیر آموزش و پرورش هر جامعه‌ای، تربیت و جامعه‌پذیر کردن اعضای آن جامعه است، و از سوی دیگر، با توجه به این‌که در مصوبات «شورای عالی آموزش و پرورش»، در دوره‌ی متوسطه اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و مواردی عنوان شده‌اند که جزء لاینفک حقوق شهروندی است، و هم‌چنین با توجه به این‌که



کتاب‌های علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه، بیش از هر کتاب دیگری، داعیه‌دار تربیت شهروندانی فعال برای جامعه هستند، لازم است، به آموزش‌های شهروندی توجهی خاص مبذول شود.

نگارنده در این مقاله، با تشخیص ۲۴ مؤلفه‌ی حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با روش تحلیل محتوای توصیفی با استفاده از ابزار چک لیست، به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق شهروندی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در کتاب‌های علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه‌ی تحصیلی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: حقوق شهروندی، قانون اساسی.

مقدمه

مفاهیم شهروند و شهروندی^۱ از مفاهیمی هستند که به همراه طرح دوباره‌ی جامعه‌ی مدنی در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ مطرح شد. گیدنز، شهروند را به عنوان «افرادی که در محدوده‌ی مرزهای نظام سیاسی زندگی می‌کنند، دارای حقوق و وظایف مشترک هستند و خودشان را جزئی از یک ملت می‌دانند»، تعریف می‌کند [گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۴۰].

این مفهوم همانند بسیاری دیگر از واژه‌های علوم اجتماعی، سیر تحولی خاص خود را داشته است. «شهروند برای نخستین بار در دموکراسی آتن شکل گرفت. از نظر آتنی‌ها، شهروند کسی بود که به امور

سیاسی این دولت شهر اهمیت بدهد و خودش را در مقابل آن مسئول بداند. البته از نظر آتنی‌ها، فقط مردان بالغ بالای ۱۸ سال شهروند محسوب می‌شدند. زنان، بردگان، خارجی‌ان و افراد زیر ۱۸ سال شهروند نبودند» [جهانگلو، ۱۳۸۳: ۱۸].

با فرارسیدن قرون وسطا، مفهوم شهروندی و حقوق شهروندی بسیار کم‌رنگ شد، ولی با گذار از قرون وسطا، شکل‌گیری رنسانس، جدایی دولت و کلیسا، و تنزل قدرت شاهزاده‌ای، تکامل دولت شهرها و ایجاد نظام‌های پارلمانی نقطه‌ی آغازی برای طرح دوباره‌ی مفهوم شهروندی است. در این میان، افکار و آثار متفکرانی چون جان لاک، هابز، روسو و دیگران، به گونه‌ای مستقیم در احیای این مفهوم اثر داشته است. مفهوم شهروندی، مفهومی بسیار گسترده است و طیف وسیعی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دربر می‌گیرد [هبرت و سیرز، ۲۰۰۰].

مبنای حقوق شهروندی آن است که هر فرد انسانی تنها به حکم انسان بودنش، در جامعه دارای یک سلسله حقوق، توانایی و مزایایی است که به عقیده‌ی بسیاری از حقوق دانان، این حقوق طبیعی و غیراکتسابی است. حتی برخی از این حقوق از دوران جینی به انسان تعلق می‌گیرد و تا پایان عمر همراه انسان است و هیچ مقامی حق ندارد آن را از انسان سلب کند؛ مثل حق حیات، حق خدشه ناپذیری جسمی و... این حقوق تحت عنوان حقوق طبیعی مطرح

هستند و حقوق بشر و حقوق اساسی جوامع نیز از آن اقتباس شده است.

با نگاهی گذرا به حقوق اساسی کشورها می‌توان تشخیص داد، برخی حقوق مطروحه در آن‌ها، ناشی از حقوق بشر در شکل مطلق آن هستند؛ مثل حق حیات. در عین حال، برخی حقوق در قانون اساسی کشورها هستند که منبعث از حقوق بشر در شکل نسبی آن‌اند که شکلی ملی به خود گرفته‌اند. برای مثال، کشوری ممکن است حق برابری انسان‌ها را در قالب مشارکت سیاسی، تحت عنوان حق رأی، تنها به شهروندان خود بدهد. اگر طبق تعاریف ارائه شده از شهروند، شهروند را به عنوان «فردی که عضو گروه سیاسی مشخصی به نام کشور است و دارای حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است» بپذیریم، باید چنین استدلال کنیم که حقوق شهروندی آن دسته از حقوقی است که رنگ و بوی ملی به خود گرفته است [محبی، ۱۳۸۴].

مارشال، حقوق شهروندی را در سه دسته تقسیم‌بندی می‌کند:

۱. حقوق مدنی که ناظر است بر آزادی در انعقاد قرارداد و مالکیت اموال و برابری در مقابل قانون و نیز آزادی بیان و اندیشه.

۲. حقوق سیاسی که ناظر است بر حق مشارکت در روندهای سیاسی (رأی دادن و نامزد شدن در انتخابات).

۳. حقوق اجتماعی که ناظر است بر حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و اجتماعی که به عنوان مزایای شرکت در حیات جامعه به افراد تعلق می‌گیرد [فیتز پاتریک، ۱۳۸۱: ۱۲۳].



متفاوت، خصوصاً با استفاده از مطالب مطرح شده در کتاب‌های درسی، در راستای دستیابی به این مهم گام بر می‌دارد. همین موضوع مهم‌ترین انگیزه برای اجرای پژوهش حاضر است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

بر مبنای موج جدیدی که امروزه در مباحث علوم انسانی در معنای عام، و علوم اجتماعی در معنای خاص ایجاد شده است، تداوم حیات و پیشرفت جامعه تنها در سایه وجود شهروندانی فعال، مشارکت‌جو، آگاه، کنشگر و در یک جمله، انسان‌هایی عامل ممکن است.

امروزه حل بسیاری از مسائل و مشکلات جامعه در گرو آگاهی و رفتار اعضای جامعه است؛ چرا که ایشان را در استیفای حقوق خویش توانا تر می‌سازد. با آگاه شدن افراد و به ویژه دانش‌آموزان از حقوق خویش، بالطبع افراد با مسئولیت‌های خود در قبال جامعه و یکدیگر آشنا می‌شوند و بدین وسیله، نظم اجتماعی روند روبه‌رشدتری به خود می‌گیرد. با آگاهی دانش‌آموزان از حقوق شهروندی خود می‌توان امید داشت، جامعه به جامعه‌ای پویا و فعال تبدیل شود. به این صورت که دانش‌آموزان با آگاهی از حقوق خویش می‌توانند، تعاملات اجتماعی خود را با یکدیگر و نظام سیاسی حاکم بر جامعه مشخص سازند و از این طریق، در نهادینه کردن شهروندی، نقش مهمی ایفا کنند.

علاوه بر این، حل مسائل جامعه و ایجاد تغییر در آن‌ها، تنها از طریق مشارکت فعال اعضای جامعه عملی است. بدون آگاهی دانش‌آموزان از حقوق شهروندی خود در ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی، پشتوانه‌ی نظری برای مشارکت فعال در امور

جامعه وجود نخواهد داشت و شهروندان نخواهند توانست، خواسته‌های خود را به حاکمیت سیاسی به درستی ابلاغ کنند. به علاوه، وجود دولت پاسخگو در صورت وجود شهروندی حق‌جو معنی پیدا می‌کند. اگر دانش‌آموزان ما حقوق خویش را بشناسند و به دنبال استیفای حقوق خویش برآیند، دولت ناچار است برای پاسخ‌گویی به این انتظارات، قانون را محور جامعه قرار دهد. در نتیجه، خواه‌ناخواه به سوی جامعه‌ای قانون‌گرا و قانون‌مدار سوق پیدا می‌کند.

اهمیت این مقوله‌ها نیز از دید برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش پنهان نمانده است. چنان‌که بنابر مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، برای دوره‌های تحصیلی راهنمایی و متوسطه‌ی نظری، اهدافی در ابعاد متفاوت در نظر گرفته شده است. با نگاهی بسیار گذرا می‌توان مؤلفه‌های حقوق شهروندی را در تمامی این ابعاد تشخیص داد. بالاخص در زمینه‌ی اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، دقیقاً مواردی بر شمرده شده‌اند که جزء لاینفک حقوق شهروندی هستند [شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۰].

در میان درس‌های متفاوتی نیز که هر دانش‌آموز به عنوان یکی از واحدهای درسی باید بگذراند، درس تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی و درس‌های جامعه‌شناسی دوره‌ی متوسطه، با هدف «جامعه‌پذیری» یا آماده کردن فرد برای زندگی اجتماعی به عنوان مهم‌ترین هدف آموزشی، تدوین شده‌اند [علیمردان، ۱۳۸۳: ۲۸۳]. با توجه به اهمیت حقوق شهروندی در ایران امروز و نیز با توجه به اهداف نظام آموزش و پرورش در تربیت شهروندانی آگاه، مشارکت‌جو و فعال، و نیز از آن‌جا که هدف از جامعه‌پذیر

«حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از قوانین رسمی و عرفی است که علاوه بر امکان حضور و دخالت جدی شهروندان در امور سیاسی جامعه‌ی خویش، موجب حفظ صیانت از اصول اساسی حیات انسانی آن‌ها و بهره‌مندی از شرایط و امکانات رفاه اجتماعی (مجموعه‌ای از حقوق خصوصی و عمومی) است که در تنظیم روابط افراد با یکدیگر و تعاملات ملت و دولت (روابط اجتماعی) مؤثر است» [اسماعیلی، ۱۳۸۴].

حقوق شهروندی با دو مقوله‌ی کلی «حقوق شهروندی» و «تکالیف شهروندی» قابل بررسی است [کیدنز، ۱۳۷۶؛ هاین، ۲۰۰۱؛ مارنلو، ۱۳۸۴؛ جهانگیرلو، ۱۳۸۳؛ فیتز پتریک، ۱۳۸۱؛ اسماعیلی، ۱۳۸۴؛ برخوردار، ۱۳۸۲؛ و فالكس، ۱۳۸۱]. زندگی در جامعه‌ی مدنی مستلزم یادگیری و آموختن اخلاق مدنی و آشنایی با این حقوق و تکالیف و وظایف مربوط به آن است. امروزه، نهاد آموزش و پرورش نقش بسیار اساسی در تربیت شهروندان جامعه دارد گرچه شکل‌گیری و رشد شخصیت افراد جامعه لزوماً به تعلیم و تربیت رسمی وابسته نیست، ولی باید به نقش بی‌بدیل آن، با توجه به تغییرات ایجاد شده در جوامع امروزی تحت تأثیر صنعتی شدن، شهرنشینی و... اذعان داشت. این نهاد با استفاده از سازوکارهای

کردن دانش آموزان، آماده کردن ایشان برای زندگی در جامعه‌ی امروز ایران است، این سؤال مطرح می‌شود که در کتاب‌های درسی مربوط به علوم اجتماعی، تا چه اندازه به مقوله‌ها و شاخص‌های حقوق شهروندی که در قانون اساسی ایران مطرح شده، توجه شده است. و مطالب ارائه شده در این کتاب‌ها، تا چه حد دانش آموزان را از حقوق شهروندی خود که در قانون اساسی مطرح شده است، آگاه می‌سازند؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش، نخست لازم است نگاهی اجمالی به قانون اساسی ایران داشته باشیم و مؤلفه‌های حقوق شهروندی آن را استخراج کنیم.

حقوق شهروندی در قانون اساسی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ هجری شمسی به رهبری حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸، با رأی مثبت ۹۸/۲ درصد کسانی که حق رأی داشتند، شکل حکومت کشور جمهوری اسلامی تعیین شد و مجلس خبرگان، متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه‌ی پیشنهادهایی که از سوی گروه‌های متفاوت مردم رسیده بود، در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل به پایان رساند. البته قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۸ بازنگری شده و تغییراتی در برخی اصول آن به وجود آمد و در حال حاضر مشتمل بر ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی با تکیه بر جهان بینی الهی و با شناخت ابعاد وجودی انسان، حقوقی را برای فرد برشمرده است که توجه به آن‌ها می‌تواند، شناخت و بصیرت

انسان را برای ایجاد ارتباط درست و منطقی با دولت، و هم چنین در ارتباط با افراد دیگر اجتماع، افزایش دهد و موجب سلامت و اعتدال جامعه شود. در جای جای ماده قانون‌های قانون اساسی می‌توان مواردی را یافت که مستقیماً و یا غیرمستقیم به حقوق شهروندی پرداخته‌اند. خصوصاً در مجموعه‌ی قانون اساسی، شاهد ماده قانون‌هایی هستیم که مستقیماً تحت عنوان «حقوق ملت» مطرح شده‌اند و برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اصول ۱۹ و ۲۰: تساوی حقوق؛ اصل ۲۱: حقوق زن؛ اصل ۲۲: مصونیت جان، مال و حیثیت؛ اصل ۲۳: آزادی عقیده؛ اصل ۲۴: آزادی مطبوعات؛ اصل ۲۶: آزادی احزاب؛ اصل ۲۷: آزادی راه‌پیمایی‌ها؛ اصل ۲۸: آزادی در انتخاب شغل؛ اصل ۲۹: تأمین اجتماعی؛ اصل ۳۰: آموزش و پرورش رایگان؛ اصل ۳۱: مسکن؛ اصل ۳۲: امنیت؛ اصل ۳۳: حق اقامت؛ اصل ۳۴: حق دادخواهی؛ اصل ۳۵: حق انتخاب وکیل؛ اصل ۳۶: مجازات به موجب قانون؛ اصل برائت؛ اصل ۳۸: ممنوعیت شکنجه؛ اصل ۳۹: حفظ حرمت و حیثیت اشخاص؛ اصل ۴۰: ممنوعیت اضرار به دیگران؛ اصل ۴۱: حق تابعیت؛ اصول ۴۶ و ۴۷: حق مالکیت؛ اصل ۵۰: حفاظت از محیط‌زیست؛ اصل ۵۶: حق تعیین سرنوشت؛ اصل ۶۲: حق رأی.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع تحلیل محتوا بود. با استفاده از این روش به مطالعه‌ی مستقیم متون کتاب‌ها، عبارات، مضامین، تمرینات و تصاویر در ارتباط با شاخص‌های شهروندی پرداخته شد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی کتاب‌های علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ بود و چون کلیه‌ی کتاب‌ها مورد بررسی قرار گرفتند، به نمونه‌گیری احتیاجی نبود. جدول زیر حاوی مشخصات کتاب‌های درسی مذکور است.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش چک‌لیست تحلیل محتوای کتاب‌های درسی بود که در آن، شاخص‌های شهروندی در قانون اساسی مشخص شده‌اند (۲۵ شاخص). در مقابل هر شاخص، با استفاده از چوب‌خط مشخص شده است که مؤلفه‌ی مورد نظر چندبار در کتاب‌های درسی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم مطرح شده است. منظور از اشاره‌ی مستقیم، اشاره صریح و دقیق به مؤلفه‌ی مورد نظر در معنای به کار رفته در قانون اساسی است. و اشاره‌ی غیرمستقیم به این معناست که مؤلفه‌ی مورد

کتاب درسی / متغیر	مطالعات اجتماعی	جامعه‌شناسی ۱	جامعه‌شناسی ۲	علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی
نویسنده	رجب‌زاده، احمد و دیگران	رجب‌زاده، احمد	رجب‌زاده، احمد و دیگران	رجب‌زاده، احمد
سال تألیف	۱۳۸۵	۱۳۸۵	۱۳۸۵	۱۳۸۵
تعداد صفحات	۱۳۵	۱۲۰	۱۳۰	۱۵۳

جدول ۱. مشخصات کتاب‌های درسی علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه

نظر در کتاب مطرح شده است، ولی نه به صورت دقیق و واضح، بلکه به صورت اشاره و یا به گونه‌ای که از محتوا و معنای متن می‌توان به وجود آن پی برد. اعتبار ابزار این آزمون از نوع اعتبار صوری است.

یافته‌های تحقیق

پس از مطالعه و بررسی کتاب‌ها و کامل کردن چک‌لیست‌ها، نتایج زیر حاصل شد:

● **علوم اجتماعی پیش دانشگاهی:** در این کتاب با عنوان فرعی جامعه‌شناسی نظام جهانی، به مسائلی از قبیل نظام جهانی، ویژگی‌ها، روابط میان کشورها و... پرداخته شده و هیچ‌گونه اشاره‌ای به مؤلفه‌های حقوق شهروندی در قانون اساسی، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، نشده است.

● **جامعه‌شناسی ۲:** این کتاب که پیوستاری است به کتاب جامعه‌شناسی ۱، به مباحث مربوط به هویت و مزایای اجتماعی پرداخته و از حیث توجه به مؤلفه‌های شهروندی، در میان کتاب‌های موجود رتبه‌ی سوم را به خود اختصاص داده است. در این کتاب، سه مورد اشاره‌ی مستقیم و هشت مورد اشاره‌ی غیرمستقیم به مؤلفه‌های حقوق شهروندی وجود دارد.

● **جامعه‌شناسی ۱:** در این کتاب به مباحثی چون نقش‌های اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی و هویت پرداخته شده است. به لحاظ اشاره‌ی مستقیم به مؤلفه‌های حقوق شهروندی، در این کتاب بیشترین توجه به حقوق شهروندی مشاهده می‌شود.

ولی در محاسبه‌ی کلی، از نظر میزان توجه به شاخص‌های مذکور، در جایگاه دوم قرار دارد. ۱۱ مورد اشاره‌ی مستقیم و ۱۳ مورد اشاره‌ی غیرمستقیم به مؤلفه‌های

حقوق شهروندی در آن وجود دارد.

● **مطالعات اجتماعی:** این کتاب با هدف آشنا کردن اجمالی دانش‌آموزان با نظام اجتماعی، و خرده‌نظام‌های آن تألیف شده است و از نظر آشنا کردن دانش‌آموزان با حقوق شهروندی، بیش از سایر کتاب‌ها رسالت خویش را به انجام رسانده است. در این کتاب ۸ مورد اشاره‌ی مستقیم و ۲۷ مورد اشاره‌ی غیرمستقیم به مؤلفه‌های حقوق شهروندی وجود دارد.

در مجموع، توصیف آماری مطالب فوق را می‌توان مطابق با مندرجات جدول ۲ دانست.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق مؤید آن است که در مجموع، ۷۰ بار به مؤلفه‌های حقوق شهروندی در سه پایه‌ی اول، دوم و سوم متوسطه دوره‌ی پیش‌دانشگاهی اشاره شده است که در این میان، ۲۲ مورد اشاره‌ی مستقیم و ۴۸ مورد اشاره‌ی غیرمستقیم بوده است. بیشترین توجه در میان ابعاد متفاوت شهروندی، به بعد حقوق سیاسی شده است؛ چرا که از مجموع ۷۰ مورد اشاره به این مؤلفه‌ها، ۳۰ مورد آن به مسائل سیاسی نظیر حق تعیین سرنوشت، حق رأی، آزادی راه‌پیمایی‌ها و آزادی احزاب اختصاص دارد.

جدول ۲. توزیع فراوانی مؤلفه‌های حقوق شهروندی در کتاب‌های درسی علوم اجتماعی

ردیف	شاخص	اشاره‌ی مستقیم					اشاره‌ی غیرمستقیم					جمع کل
		۱	۲	۳	۴	جمع	۱	۲	۳	۴	جمع	
۱	تساوی حقوق	۱	۱			۲	۲	۴	۳		۹	۱۱
۲	حقوق زن	۱				۱	۱	۲	۱		۴	۵
۳	مصونیت جان، مال و حیثیت		۱			۱	۱				۱	۲
۴	آزادی عقیده		۲			۲	۲				۲	۴
۵	آزادی مطبوعات					۰	۱	۱			۲	۲
۶	آزادی احزاب		۲			۲	۲				۲	۴
۷	آزادی راه‌پیمایی‌ها	۱				۱		۲			۲	۳
۸	آزادی در انتخاب شغل		۱			۱	۱				۱	۲
۹	تأمین اجتماعی					۰		۱	۱		۲	۲
۱۰	آموزش و پرورش رایگان		۱	۱		۲		۱			۱	۳
۱۱	حق داشتن مسکن		۲			۲					۰	۲
۱۲	حق داشتن امنیت		۱			۱					۰	۱
۱۳	حق اقامت					۰					۰	۰
۱۴	حق دادخواهی					۰					۰	۰
۱۵	حق داشتن و انتخاب وکیل					۰					۰	۰
۱۶	مجازات به موجب قانون		۱			۱	۱				۱	۲
۱۷	اصل برائت					۰					۰	۰
۱۸	ممنوعیت شکنجه					۰					۰	۰
۱۹	حفظ و حرمت و حیثیت دیگران					۰					۰	۰
۲۰	ممنوعیت اضرار به دیگران					۰	۱				۱	۱
۲۱	حق تابعیت					۰					۰	۰
۲۲	حق مالکیت		۱			۱	۱		۱		۲	۳
۲۳	حفاظت از محیط زیست					۰					۰	۰
۲۴	حق تعیین سرنوشت		۱			۱	۵	۲			۷	۸
۲۵	حق رأی	۱	۱	۲		۴	۹	۱	۱		۱۱	۱۵
	جمع کل	۸	۱۱	۳	۰	۲۲	۲۷	۱۳	۸	۰	۴۸	۷۰

۱. مطالعات اجتماعی ۲. جامعه‌شناسی (۱) ۳. جامعه‌شناسی (۲) ۴. علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی

که از این میان، حق رأی با فراوانی ۱۵ مورد بیشترین سهم را دارد.

بعد دیگر بعد حقوق قضایی افراد است. از این نظر باید چنین بیان کنیم که با توجه به یافته‌های جدول، یک مورد اشاره‌ی مستقیم و دو مورد اشاره‌ی غیرمستقیم، آن هم تنها در کتاب مطالعات اجتماعی، نشان دهنده‌ی بی تفاوتی این کتاب‌ها به بعد قضایی و حقوقی حقوق شهروندی است.

اشاره به برابری و تساوی حقوق، بعد از مؤلفه‌های حقوق سیاسی بیشترین فراوانی را دارد (۱۱ مورد). در این میان، توجه به حقوق زنان نیز با مجموع پنج مورد، به تفکیک یک مورد اشاره‌ی مستقیم و چهار مورد اشاره‌ی غیرمستقیم قابل توجه است. در این میان، بی توجهی به حفاظت از محیط زیست که نه تنها حق زندگان، بلکه حق آیندگان به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار است، جلب توجه می‌کند. با در نظر گرفتن آزادی انتخاب شغل، حق داشتن مسکن و حق مالکیت به عنوان مؤلفه‌های حقوق اقتصادی، می‌بینیم که به هفت مورد اشاره شده است که سه مورد آن به صورت مستقیم و چهار مورد آن به صورت غیرمستقیم است. با توجه به گویا بودن جدول یافته‌ها، به همین میزان اکتفا می‌کنیم و به مباحث بعدی می‌پردازیم.

با جمع‌بندی صفحات چهار کتاب مورد بررسی می‌بینیم که مجموعاً ۵۳۸ صفحه در مورد مسائل اجتماعی در کتاب‌های علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه مطلب نوشته شده است. در این میان، تنها ۷۰ مورد اشاره‌ی مستقیم و غیرمستقیم به مؤلف‌های حقوق شهروندی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد،

شده است. با یکجا در نظر گرفتن این فراوانی ۷۰ موردی، می‌بینیم که در بهترین حالت، پنج صفحه به حقوق شهروندی اختصاص یافته است. این موضوع، فقر شدید کتاب‌های علوم اجتماعی را، در خصوص آموزش شهروندی، به عنوان مهم‌ترین متولی جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان نشان می‌دهد. وجود چنین آماری، توجه نویسندگان را به صورت بسیار جدی به مسئله‌ی مذکور می‌طلبد.

لازم است نویسندگان محترم با بازنگری در هدف‌های کتاب‌های علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه، توجهی خاص به این امر مبذول فرمایند، خصوصاً در زمینه‌ی آگاهی بخشی به دانش‌آموزان در زمینه‌ی حقوق اجتماعی و حقوقی ایشان.

زیر نویس:

1. citizen & citizenship

منابع:

فلسفه‌ی حقوق بشر، برگرفته از سایت‌های اینترنتی.

اسماعیلی، محمد. «بررسی مقایسه‌ای میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی در شهر اصفهان». پرتو مهر، دو هفته‌نامه‌ی داخلی سازمان آموزش و پرورش اصفهان. ۱۳۸۴.

برخورداری، مهین. بررسی چالش‌های تربیت مدنی در نظام جمهوری اسلامی ایران. دانشگاه تربیت مدرس. تهران. ۱۳۸۲.

فیتس پاتریک، تونی. نظریه‌ی رفاه-سیاست اجتماعی چیست؟ ترجمه‌ی هرمز همایونپور. انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی. تهران. ۱۳۸۱.

جهانبگلو، رامین. شهروندی، گفت‌وگو با رامین جهانبگلو. علی اصغر سیدآبادی. چاپ گستر. تهران. ۱۳۸۳.

گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران. چاپ چهاردهم. ۱۳۸۴.

دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش. مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. انتشارات مدرسه. تهران. ۱۳۸۰.

علیمردان، محمدعلی. مجموعه قوانین و مقررات دوره‌ی راهنمایی تحصیلی (ج ۲: آزمون نوین). تهران. ۱۳۸۲.

محبی، بهرام. فلسفه‌ی حقوق بشر (گفتار چهاردهم: حقوق اساسی و حقوق شهروندی). برگرفته از اینترنت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

11. Hebert, Yvonne. Citizenship education. Canadian Education Association.

12. Hine, Jean. Children and citizenship. Department of Sociological Studies and School of Education, University of Sheffield. 2001.

